

نگاهی کوتاه به جهان داستانی دونالد بارتلمی

خشوفت در دو چهره

مهدی پردازی خرم

آن شکلشان تغییر کرده و دارای حجمی آزاردهنده هستند. روحیه آمریکایی این انسان که بدون شک توسط بویست و فرهنگ خاص روی شکل گرفته در بستری نامانوس هدابت و خشن می شود. در این مرحله ارزش های دینی، اخلاقی و حتی انسانی هم رنگ و لعاب هیبتگی خود را از دست داده و یک سکوت خسته کشیده درناک چیزیم آن می شود. «زبان» شاید اصولی ترین و شاخص ترین نکه ای باشد که بتوان آن را مولفه اصلی جهان داستانی بارتلمی دانست. این زبان که بر پیچیده بودن خود اغراق و تاکید می کند، با نظام درونی موتیف وار خود، جوهر ذاتی روابت که همان حرکت است را تحریف نموده و تنها و تنها به تقض ساختارهای موجود در متن مشغول می شود. همانطور که گفت، شاید تنها تلاش انسان بارتلمی، فریاد کردن ریالیسم خود است، زبان با هارمونی چندگانه خود و تمایل به حجم نمایی، صدای این فریاد را به شکلی ناقص، سردگم و یا پارودیک به گوش مخاطب می رساند.

مهم ترین کارکرد زبانی دونالد بارتلمی که تحت تاثیر نویسنده گان رمان نو، به وجود آورده، عنصر «مکان» است، بدین معنی که مفهوم مکانی در بافت زبان ساخته می شود و سورزاپیسی که ما در داستان های بارتلمی با آن رویه رو هستیم و موجب می شود. در واقع بسامد های زبانی بارتلمی، ریتم و تصاویری را می سازند که واقعیت های بیرونی متن را جعل نموده و به شکلی کاملاً متفاوت عرضه می کنند. در این مرحله، زبان با توصل به یک سپتیم پیچیده آوازی و کلامی، «مکان» داستانی جدیدی می افریند که در ادبیات آمریکا به شدت عجیب است. راوی و یا شخصیت های داستان جون به دلیل وجود همین زبان ساخته شده اند، ناچار هستند در سایه و محدوده فرمی آن حرکت و روابت کنند و چون زبان سروی ای نهاییست و متفاوض نمایند، عمق بیهودگی راوی خود را فاش می نماید. در این راه بارتلمی از آستره کردن داستان های بارتلمی سوینگ زنگی او را در این صورت رنگ و عناصر بصیری بیرون از این زبان ضد تصویر، خواشش انتزاعی ای را که او رای منن پیشنهاد کرده، تبدیل به یک منطق جدید و در عین حال شناخته شده من نماید. پس تصویر در داستان های بارتلمی سوینگ زنگی او را در این ساختن انسان بیهوده من است. در این نگاه تصویر از ساختار بصیری خود خارج شده و به هیئت قضاها بین ناملموس در عن حوال در تغییر و دگردیسی درمی آید. بارتلمی، برای نقض تمام ساختارهای شناخته شده ادبیات داستانی قفل از خود، تصویر و مکان و همچنین شیوه های بیانی رفاقتار در پیکره زبان جای علاوه بر طرح صدایی جدید و متفاوت از بیانی و بیهودگی ارزش های بیرون متنی روابت می کند. بارتلمی، علاوه بر این نوع نگرش کوپیستی، از نمادها و سمبول ها به من گبرد. از سوی دیگر سمت یک راوی شدت احساس بیهودگی و ناتوانی می کند.

این امر که در مقابل با فضای ساخته شده در دو فرم اصلی اتفاق می افتد، نخست اینکه انسان های داستان های بارتلمی که پدیدار شناسی مفاهیم کلاسیک تاریخ ادبیات و تخطه گوهر وجودی ایشان نیز از طریق تکثیر شده اند، همچنین فردیت و وحدت وجودی و درونی ایشان ساخته شده است، به طور مثال داستان تولستوی با بیان مفهومی جدید از شخصیت تاریخی این نویسنده سرخوردگی روحی را وی و انسان بارتلمی را از جمع گراپی آمریکایی به تصویر کشیده است.

زیورکد باعث شده که ما با موجوداتی روبه رو باشیم که هر

مخاطب بارتلمی، نمی تواند به او شکلی شناخته شده بدهد و این اوج هنر بارتلمی است. بارتلمی برعکس ریموند کارور به ^{۱۹۴۳} راوی و یا اجرای سه مرحله ای داستان اعتصابی ندارد. او به مانند آن رنگ گری یه، از جایی وارد داستان شده

می شود. با این کارکرد، جهان داستانی بارتلمی به مانند آثار گوپیست از حجم فوق العاده ای برخوردار می شوند که مردم مخاطب خود را در پیافت شکل اصلی مولفه هایش به بانی از گیرد. از سوی دیگر این می شود که توسعه سرمهدازان آذ ساخته شده است. دوین راهکار بارتلمی برای روابت

این انسان ذکر شده، استفاده از نوعی نهیلیسم درون متنی است که با توجه به دستاوردهای جریان رمان نو و بالاخص رنگ گری و بکت، ساخته شده است. در بافت این نهیلیسم؛ حرکت حلزونی روابت، تبدیل به یک حرکت ممندد شده، به این معنا که بارتلمی که مانند بروی از آثار نویسنده گان رساند نر، هیچ اتفاق دروغی و بیرونی خاصی در آن روى نمی دهد. با این دو مولفه کلیست اثمار بارتلمی ساخته شده و

می شود. بعد از درک این مرحله، خشونت درون متنی به شکل نوعی سردرگمی و اندستگی در ذهن و زبان این آدمها تصویر می شود. این روبه یکی از مهم ترین جنبه های ادبیات بارتلمی است به این معنی که صراحت و پریای انسان او دستخوش مذاقحتگی می شود و او می کوشد تا فقط به بودن خود ادامه دهد. بودن که به مانند بروی از آثار نویسنده گان رساند نر، هیچ اتفاق دروغی و بیرونی خاصی در آن روى

پایین ترین مرحله بعد انسانی خود می رسد، او تازه عوایب جنگ راسی فهمد، مکاریسم رادرک می کند، چنگ سرد آسایش را بزم می زند و از همه مهم تر، دچار حس نامنی می شود که توسعه از مفهوم دور شدن از مفهوم

رویخت شناسی آن، به شدت غریبه و دست نیافری به نظر می رسد. این نویسنده برای حرکت در این فضای نامنوس، از سه راهکار عمدۀ استفاده می کند: نخست اینکه او از اینه منطق خوانشی خاص و یا شناخته شده ای سریاز می زند و می کوشد متن خود را قید و بند مولفه ای به نام «حافظه درون متنی» رها کند. در این رنگه آدم های دونالد بارتلمی از پشتارهای تاریخی، اخلاقی و حتی معنوی خود جدآشده و آن خشونتی که نویسنده برای ترسیم زندگی رنگ باخته جامعه آمریکایی به آن نیاز دارد شکل می گیرد. پس خشونت در دو چهره یکی از عنصر انکارشدنی متن بارتلمی است. این خشونت در درجه اول بینها و روابط های بین انسان و جهان درون متن را می برد. به این معنی که نویسنده با توصل به شکل هایی از ادبیات سورزاپیستی، فضاهای رامی سازد که در ذات خود، اگرتویک و در ضمن به شدت گوتیک به نظر می آیند. این فضاهای نمایه آذ در داستان های مانند پاراکوه و صحنه هایی از کریه پدرم به جسم می خورد، از یک حجم تصویری و متفاپریکی فوق العاده بیرون ردار بوده و

به هیچ عنوان سابلستی نیستند. با چینی فضایی پیامون را درون متن، پشتارهای به نام جهان آشنا و تاریخی پیامون را از دست داده و دچار یک نهایی و مسکون خشونت بار می شود. بعد از درک این مرحله، خشونت درون متنی به شکل نوعی سردرگمی و اندستگی در ذهن و زبان این آدمها تصویر می شود. این روبه یکی از مهم ترین جنبه های ادبیات بارتلمی است به این معنی که صراحت و پریای انسان او دستخوش مذاقحتگی می شود و او می کوشد تا فقط به بودن خود ادامه دهد. بودن که به مانند بروی از آثار نویسنده گان رساند نر، هیچ اتفاق دروغی و بیرونی خاصی در آن روى

دونالد بارتلمی به عنوان نویسنده ای دگراندیش، از نمونه نویسنده گانی است که پوسته حاضره صنعتی آمریکا را شکافته و با درهم آمیختن فضاهای سورزاپیستی، انگاره های زیانی و همچنین گونه ای از نهیلیسم درون متنی مدرن به يک بیان تو دست یافته است. بارتلمی خیلی در ایران ترجمه شد و عدم تمايل ترجمین به آثار او و نویسنده گان دیگر آمریکا باعث شد که صدای کارور به نوعی تهاجم ادبیات معاصر آمریکا در ایران باشد. ازندگ شهري در اقع او بین مجموعه داستانی است که از این نویسنده مشتر شده است. این مجموعه که از مهم ترین داستان های بارتلمی محسوب می شود، در برگزینده چهارهاده داستان متفاوت است که تخلی و حشمتگار بارتلمی را اثبات می کند. به نحوی که اگر این داستان های به شکلی پراکنده و بدون ذکر نام نویسنده منتشر شده است، کمتر مخاطبی می توانست نویسنده همه آنها را بارتلمی بشناسد! به هر حال انتشار این مجموعه داستان در زستان امسال، اتفاقی مهم است. هترم داستان ها، شیوه مقاللو است که گویا قصد دارد اعم از اثار این نویسنده را ترجمه نماید.

جهانی که بارتلمی را وی عناصر و مولفه های آن است،

گستره ای از تفاقض ها و تضادهای مفهومی و ساختاری است. بارتلمی به مانند نویسنده گان سورزاپیست، دنیای را خلق کرده که انسان به علت دور شدن از مفهوم ریخت شناسی آن، به شدت غریبه و دست نیافری به نظر می رسد. این نویسنده برای حرکت در این فضای نامنوس، از سه راهکار عده استفاده می کند: نخست اینکه او از اینه منطق خوانشی خاص و یا اینها را بازگشته باشند و یا مخاطب می زند و می کوشد متن خود را قید و بند مولفه ای به نام «حافظه درون متنی» رها کند. در این رنگه آدم های دونالد بارتلمی از پشتارهای تاریخی، اخلاقی و حتی معنوی خود جدآشده و آن خشونتی که نویسنده برای ترسیم زندگی رنگ باخته جامعه آمریکایی به آن نیاز دارد شکل می گیرد. پس خشونت در دو چهره یکی از عنصر انکارشدنی متن بارتلمی است. این خشونت در درجه اول بینها و روابط های بین انسان و جهان درون متن را می برد. به این معنی که نویسنده با جسم می خورد، از یک حجم تصویری و متفاپریکی فوق العاده بیرون ردار بوده و

که در ذات خود، اگرتویک و در ضمن به شدت گوتیک به نظر می آیند. این فضاهای نمایه آذ در داستان های مانند پاراکوه و صحنه هایی از کریه پدرم به جسم می خورد، از یک حجم تصویری و متفاپریکی فوق العاده بیرون ردار بوده و

به هیچ عنوان سابلستی نیستند. با چینی فضایی پیامون را درون متن، پشتارهای به نام جهان آشنا و تاریخی پیامون را از دست داده و دچار یک نهایی و مسکون خشونت بار می شود. بعد از درک این مرحله، خشونت درون متنی به شکل نوعی سردرگمی و اندستگی در ذهن و زبان این آدمها تصویر می شود. این روبه یکی از مهم ترین جنبه های ادبیات بارتلمی است به این معنی که صراحت و پریای انسان او دستخوش مذاقحتگی می شود و او می کوشد تا فقط به بودن خود ادامه دهد. بودن که به مانند بروی از آثار نویسنده گان رساند نر، هیچ اتفاق دروغی و بیرونی خاصی در آن روى

آدم های دونالد بارتلمی
از پشتارهای تاریخی
اخلاقی و حتی معنوی خود جدا شده
و آن خشونتی که نویسنده برای
ترسیم زندگی رنگ باخته جامعه
آمریکا به آن نیاز دارد شکل می گیرد

بارتلیمی پر عکس پر جگایان مانند بکت، از یک رالیسم قصه گو، سود ببرده و در پایان آن را بدون ایجاد احساس مسیدخوانی رها می کند. پس تیپ روابت او به شدت خطی است اما روابت خاطی که در پایان آن ما بیرون درک کشی معنایی و با ایدئولوژیک تها لگداشته می شویم. انسان بارتلمی در این روند، فاقد یک ذهبت استعاره ای او به دلیل تضاد عدیقی که بین انسان و دنیا ای وجود دارد، اخلاق متنی نیز فراموش شده و متن و ملزمات آن هیچ هدفی را دنبال نمی کند. دهه بینهاده و شصت ذهن بارتلمی ساخته شده و خود را شکست. این روند، فاقد یک ذهبت استعاره ای او به دلیل تضاد آن دستورات معاذخانگی می شود و او می کوشد تا فقط به بودن خود ادامه دهد. بودن که به مانند بروی از آثار نویسنده گان رساند نر، هیچ اتفاق دروغی و بیرونی خاصی در آن روى